

Pathology of Attar studies in the field of comparative literature*

Elham Ganj Karimi

Ph.D. student at Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mohammad Taghavi¹

Associate professor at Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Ehsan Ghabool

Assistant professor at Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Sheikh Farīd ud-Dīn Attar Neishabouri is well known as one of the great Persian poets. Due to the importance of his works and poems, many studies have been conducted on his works, circumstances, and thoughts. In this regard, the introduction and the critical review of those studies seem to be fundamental in the field of Attar studies. In this paper, an attempt has been made to critically investigate the studies conducted on Attar and his works from a comparative viewpoint, and then the strengths and weaknesses of these studies are determined. The research is based on thirty-four studies related to Attar studies in the field of comparative literature. Some important shortcomings are detected such as the lack of methodology in research and scientific structure of studies, the lack of scientific care and details, existence of repetitive issues, no attention to similarities, no attention to their motives, ignoring differences, no specification of the exact impacts on one another, ignoring new theories and incomplete familiarity with them.

Keywords: Attar studies, Comparative literature, Pathology of studies.

* Date of receiving: 2018/12/24

Date of final accepting: 2020/01/20

1 - E-mail of responsible writer: taghavi@ferdowsi.um.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۹، شماره ۴۶

صفحات ۹۸-۶۹

آسیب‌شناسی مقالات عطار پژوهی در حوزه ادبیات تطبیقی* (مقاله پژوهشی)

الهام گنج کریمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر محمد تقوی^۱

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر احسان قبول

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری یکی از شعرای بزرگ زبان فارسی است که به جهت اهمیت آثار و اشعارش، تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره آثار، احوال و افکار وی صورت گرفته است. یکی از ضروری‌ترین تحقیقات و مطالعات بنیادی در عرصه عطارپژوهی شناسایی، معرفی و بررسی انتقادی مقالاتی است که پیرامون عطار نوشته شده است. در این مقاله، کوشش شده تا به بررسی انتقادی مقالاتی که در مورد عطار و آثار وی از منظر تطبیقی نگارش یافته‌اند، پرداخته و نقاط قوت و ضعف این مقالات تعیین شود.

در این بررسی، سی و چهار مقاله مرتبط با عطارپژوهی در حوزه ادبیات تطبیقی نقد و ارزیابی شده‌اند و در نتیجه، مواردی همچون فقدان روشمندی در پژوهش و ساختار علمی مقالات، عدم دقت علمی و جزئی‌نگری، پرداختن به موضوع‌های تکراری و توجه به شباهت‌ها و گزارش آنها و کم‌توجهی به علل و چگونگی آنها، نادیده گرفتن تفاوت‌ها، عدم تعیین دقیق تأثیر و تأثر از یکدیگر، نادیده انگاشتن نظریه‌های جدید یا آشنایی ناقص با آنها، از مهم‌ترین کاستی‌هایی بوده که به آنها دست یافته‌ایم.

واژگان کلیدی: عطار پژوهی، ادبیات تطبیقی، آسیب‌شناسی مقالات.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: taghavi@ferdowsi.um.ac.ir

۱- مقدمه

عطار از شاعرانی است که زندگی و شعر او مورد توجه بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته است. قابلیت‌های هنری و زبانی و اشتغال بر مباحث فکری و معرفتی گوناگون در آثار عطار عامل و زمینه‌ای برای این جلب توجه است. منظومه‌های او از حیث داستان‌پردازی نیز با شاعران عارف قبل و بعد (سنایی و مولانا) تفاوت دارد و بجز اسرارنامه، در دیگر آثار عطار، خواننده با یک داستان اصلی (کلان داستان) مواجه است که داستان‌های دیگر در درون آن و به جهت تکمیل مباحث نقل می‌شوند و همان سنت کهن قصه در قصه ادامه می‌یابد. عطار اغلب، طرحی از پیش اندیشیده برای داستان و مطالب و محتوای تشکیل دهنده آن دارد و از این رو، از حیث صورت و محتوا تأمل‌برانگیز است. علاوه بر این از دهه سی که نخستین پژوهش‌های تطبیقی در ایران شکل گرفت، مقالات بسیاری در پیوند بین آثار ادبی ایران با سایر ملل نوشته شده است که بتدریج، به آثار و شخصیت‌های تأثیرگذار ادبی فارسی زبان پرداخته شد و عطار یکی از آن شخصیت‌هاست.

از میان منظومه‌های چهارگانه متعلق به عطار (الهی‌نامه، منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه و اسرارنامه)، منطق‌الطیر با درون‌مایه رمزی و تمثیلی به سبب قابلیت تفسیرهای چندگانه علاوه بر این که مباحث فکری و عرفانی مختلفی را موجب شده، بر آثار نویسندگان و شاعران دیگر زبان‌ها نیز تأثیر داشته است و همین موضوع باعث گردیده تا در پژوهش‌های تطبیقی نیز مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال تأثیرپذیری تد هیوز (Ted Hughes) شاعر و نویسنده انگلیسی از منطق‌الطیر عطار در مجموعه «شعر کلاغ» با استناد به گفته خود او، امری مسلم است.

وی در مصاحبه با امزد حسین، می‌گوید: «مدل شعری من در واقع، برگرفته از منطق‌الطیر است، کتاب عطار شاعر صوفی ... در پس ذهنم ایده چنان سفری بود، موجودی که راهی را آغاز می‌کند، درست مثل یکی از پرندگان منطق‌الطیر» (باقری، ۱۳۹۳: ۲۶).

بوکاچیو (Boccaccio) نویسنده ایتالیایی نیز در کتاب «دکامرون» (Decameron) سفر مرغان را دستمایه اثر قرار می‌دهد. جان بانیان (John Bunyan) در نوشتن «سیر و سلوک زائر» (Pilgrim's Progress) از منطق‌الطیر عطار تأثیر گرفته است. ایبن (Ibsen) هنگام نگارش نمایشنامه «برانند» (Brand) تحت تأثیر عرفان شرقی و خصوصاً عطار بوده است. در این نمایشنامه، برانند به سان سی مرغ سرگشته است که در جستجوی حقیقت و رستگاری به سمت قلعه حرکت می‌کند و شعارش رسیدن به جاودانگی است. «پرنده آبی» اثر موریس مترلینگ (Maurice Maeterlinck)، نویسنده و متفکر بلژیکی نیز متأثر از منطق‌الطیر عطار در ادبیات اروپاست (قاضی، ۱۳۴۶: ۱۴۵). اگر الگو برداری باخ را با روایت ترجمه منطق‌الطیر نپذیریم، تأثیر غیرمستقیم و با واسطه منطق‌الطیر بر زمینه ذهنی این نویسنده آمریکایی در نگارش «جانانان مرغ دریایی» را نمی‌توان نادیده گرفت (کوپا و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰).

در این زمینه، سخن موریس بارس (Maurice Barres) نویسنده شهیر فرانسوی، درباره منطق‌الطیر شنیدنی است: «من شعر عارفانه‌ای نمی‌شناسم که از منطق‌الطیر زیباتر باشد و این چنین خواننده را به سوی کهکشان‌ها به پرواز درآورد. آری! براستی، منطق‌الطیر شعری است که همچون دسته‌ای از مرغان اسرارآمیز فضای لایتناهی را در می‌نوردد و آدم خاکی را به عرش کبریایی می‌رساند.» (حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۷۲).

بسیاری از خاورشناسان نیز به ترجمه و تحقیق پیرامون منطق‌الطیر پرداخته‌اند. با ترجمه منطق‌الطیر عطار به زبان عربی (۱۴۱۶ هـ. ق) توسط بدیع محمد جمعه، توجه به این اثر شگرف در جهان عرب نیز بیشتر شد، تا آنجا که برخی شاعران معاصر عرب تحت تأثیر مضامین شعری و افکار عطار اشعاری به نام او سروده و شگفتی خود را نسبت به این اثر بزرگ عرفانی ابراز کرده‌اند. احمد سویلم (۱۹۴۲ م) شاعر نسل دوم مصر یکی از این شاعران است که به بهره‌گیری از میراث عرفانی عطار و کاربرد آشکار آن در شعرش شهرت

دارد. در فرانسه گارسن دوتاسی (Garcin de Tassy ۱۷۴۹-۱۸۴۷م.) برای نخستین بار، کلّ منطق الطّیر را ترجمه کرد و زمینه آشنایی فرانسویان با این اثر را پدید آورد (حدیدی، ۱۳۷۳: ۲۱۹) و زمینه‌ساز تأثیرپذیری بزرگان شعر و ادب فرانسه چون هانری دو مونترلان، ویکتور هوگو در افسانه قرون، ارمان رنو، موریس بارس و آراگون با عطار گردید. (همان: ۴۳۳، ۴۴۸، ۴۶۵، ۴۷۱، ۴۸۳).

این تأثیرپذیری‌ها از آثار عطار زمینه ورود جدی و علمی به حوزه عطار پژوهی از منظر ادبیات تطبیقی و مقایسه آثار عطار با شاعران و نویسندگان سایر ملل را فراهم کرد.

۲- مسأله پژوهش

رویکرد نو در مطالعات دانشگاهی در حوزه ادبیات و عرفان می‌تواند به بازخوانی و نوآوری در عرصه مطالعات ادبی بینجامد. اینکه طی دهه‌های اخیر این رویکردهای تازه تا چه حد توانسته است به نوآوری در درک بهتر آثار کمک کند و آثار پژوهشی حاصل از این رویکردها چگونه هستند، خود، موضوع مهمی است که جای بررسی و تحلیل دارد. این پژوهش درصدد روشن کردن این نکته که مقالات حوزه عطارپژوهی در موضوع ادبیات تطبیقی تا چه اندازه مطابق با معیارها و روش‌های مناسب این حوزه انجام شده و این‌که مقالات منتشر شده از حیث کم و کیف چه وضعیتی دارند مسأله این مقاله است.

۳- روش پژوهش

در این تحقیق ابتدا نمونه‌گیری از سه جنبه انجام شده است:

۱- از حیث زمانی، مقالات در فاصله سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۹۴ به نگارش در

آمده‌اند.

۲- از جنبه اعتبار، مجلات، دامنه پژوهش این مقاله، مجلات دانشگاهی و غیردانشگاهی مرتبط با تحقیقات ادبی است.

۳- از جنبه موضوعی، به مقالاتی که بر اساس عنوان و کلیدواژه‌ها، به بررسی تطبیقی در خصوص آراء، اندیشه‌ها، نظرات و اشعار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری پرداخته‌اند، توجه شده است.

در مرحله بعد، بررسی و نقد مقالات، صورت گرفته و در نهایت، به ارزیابی کلی آنها پرداخته شده است.

۴- پیشینه پژوهش

به عنوان پیشینه تحقیق می‌توان از مقاله علیرضا انوشیروانی «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران» (۱۳۸۹) نام برد که محور توجه آن، سیر تحولات نظری ادبیات تطبیقی و اختلاف نظرها درباره آن در غرب و طرح برخی آسیب‌های نظری و روش‌شناختی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در ایران است. مقاله تورج زینی‌وند «فقدان روش پژوهش در مطالعات تطبیقی ادبیات عربی و فارسی» (۱۳۹۱) به بیان برخی چالش‌های پژوهش‌های ادبیات تطبیقی با محوریت ادبیات تطبیقی فارسی - عربی پرداخته است. همچنین مقاله فرزانه علوی زاده «بررسی انتقادی مقالات ادبیات تطبیقی در ایران دهه هشتاد» (۱۳۹۴) انتشار یافته که تمرکز آن بر بررسی مقالات ادبیات تطبیقی در دهه هشتاد است و فهم ناقص نظریه توسط پژوهشگران ایرانی را روشن کرده است.

اما در خصوص بررسی مقالات تطبیقی مرتبط با موضوع احوال و آثار عطار سابقه و مطالعه منتشر شده‌ای انجام نشده است. با توجه به اهمیت مقالات این حوزه و فقدان طبقه‌بندی اطلاعات و مراجعه نکردن پژوهشگران به مقالات نوشته شده پیشین با توجه به

افزایش تعداد مجلات و مقاله‌های منتشر شده، آسیب‌شناسی و نقد مقالات حوزه‌های خاص - تر مانند عطار پژوهی ضروری به نظر می‌رسد.

۵- ضرورت و اهمیت پژوهش‌های تطبیقی

ادبیات تطبیقی که در اوایل قرن نوزدهم در فرانسه شکل گرفت به بررسی تلاقی ادبیات در زبان‌های گوناگون، روابط پیچیده ادبیات تطبیقی در گذشته و حال و روابط تاریخی داد و ستدها در حوزه‌های هنری، جریان‌های فکری، مکاتب ادبی، موضوع‌ها، افراد و به مطالعه تأثیر و تأثرات بین نویسندگان یا ادبیات ملل متفاوت و نشر آن می‌پردازد (ژون، ۱۳۹۰: ۳۵) که به وسیله آن، می‌توان بیش از هر چیز، به نقاط وحدت‌بخش اندیشه بشری پی برد و نحوه، درجه و مواد تأثیر و تأثر نویسنده و شاعر ملی را از مضامین و آثار دیگر اقوام و ملل فهمید. (ر.ک. اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۶۷-۲۶۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۵). در این داد و ستد، ورود آثار ادبی به دیگر حوزه جغرافیایی - فرهنگی، به همراه بازیابی، تصرفات و دگرگونی‌های فکری و ادبی، مهم است و در غیر این صورت اگر عیناً و بدون دخل و تصرف و دگرگونی اخذ شود، در حوزه ادبیات تطبیقی قرار نمی‌گیرد.

در ادبیات تطبیقی، مهم، پشت سر گذاشتن مرزهای ملی و زبانی و زبان آثار ادبی و نفوذ در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی است. به قول گوته (Goethe) «تمام ادبیات‌ها به مرور زمان، پا نهادن به خارج از مرزهای ملیشان را تجربه می‌کنند» (گویارد، ۱۳۷۴: ۱۹)؛ از این رو پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ملت‌ها را به هم نزدیک می‌کند و بی دلیل نیست که از آن به «تاریخ روابط ادبی بین المللی» (History of international relation literature) یاد کرده‌اند (همان، ۷ و ۱۵). بنابراین ادبیات تطبیقی قسمتی از تاریخ ادبیات و کامل‌کننده آن است که به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو یا چند اثر ادبی می‌پردازد و اختلاف زبان در بین آثار ادبی شرط اصلی پژوهش‌های تطبیقی است. (شورل، ۱۳۸۶: ۹۸).

۶- مقالات تطبیقی مربوط به عطار و آثار او

جداییت زبان عطار در کنار پیام جهان‌شمول آثار او در حوزه اخلاق، دین، عرفان و داستان‌پردازی وی زمینه مناسبی را برای بحث‌های تطبیقی فراهم آورده است. جامعه آماری در پژوهش پیش رو، مشتمل بر ۳۴ مقاله است که طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ در نشریه‌های داخلی به زبان فارسی چاپ شده‌اند. مقالات بررسی شده شامل این موارد است:

- ۱) مقارنهٔ مدایح نبوی عطار و صفی‌الدین حلّی، ابوالحسن امین مقدّسی (۱۳۸۴).
- ۲) بازگشت: نیم‌نگاهی به سفرهای اودیسه و مرغان منطق‌الطیر، زرین‌واردی (۱۳۸۴).
- ۳) کم‌دی الهی و منطق‌الطیر: نگاهی به تفاوت‌ها و شباهت‌ها، سید محمد مرن‌دی، ناهید احمدیان (۱۳۸۵).
- ۴) بررسی تطبیقی درام اجتماعی ویکتور ترنر با منطق‌الطیر عطار نیشابوری، رحیم فرخ‌نیا، زهرا حیدری (۱۳۸۶).
- ۵) شیخ عطار و ویکتور هوگو (بررسی تطبیقی نماد شخصیت عرفانی در فضیل عیاض و ژان والژان)، مجید یوسفی بهزادی (۱۳۸۷).
- ۶) بررسی و مطالعه تطبیقی منطق‌الطیر عطار و افسانهٔ قرون هوگو، زینب مشتاق (۱۳۸۷).
- ۷) از منظومهٔ فونیکس تا منطق‌الطیر عطار و استرالیا، هاشم محمدی (۱۳۸۷).
- ۸) در جستجوی حقیقت و رستگاری: ردّ پای عرفان‌گرایی شرقی در نمایشنامهٔ براند، اثر ایسن با نگاهی بر منطق‌الطیر عطار، فاطمه مدنی سربارانی (۱۳۸۸).
- ۹) شهسوار ایمان در دیدگاه عطار نیشابوری و سورن کی یرکگور، قدرت‌الله طاهری (۱۳۸۹).
- ۱۰) از کعبه تا روم: بررسی تطبیقی داستان شیخ صنعان و فاوست گوته، محمد تقوی (۱۳۸۹).

- ۱۱) انعکاس عشق در آینه ادیان (مقایسه تطبیقی عشق در عرفان قدیس آگوستین و عطار نیشابوری)، زهرا کوشکی (۱۳۸۹).
- ۱۲) از منطق الطیر عطار تا جانانان مرغ دریایی ریچارد باخ، فاطمه کوپا، بهجت‌السادات حجازی، صالحه غضنفری‌مقدم (۱۳۸۹).
- ۱۳) بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیولیمین، مهین پناهی (۱۳۹۰).
- ۱۴) بازتاب منطق الطیر عطار در قصیده یادداشت‌های بشر حافی صلاح عبدالصبور، فرامرز میرزایی، مهدی شریفیان، علی پروانه (۱۳۹۰).
- ۱۵) بررسی دیدگاه ابن عربی و عطار در مسأله فنا و بقا. مریم بختیار (۱۳۹۰).
- ۱۶) مقایسه تحلیلی طرح و محتوای نمایشنامه پرنده آبی از موریس مترلینگ با منظومه عرفانی «منطق الطیر» عطار، محمد نصر اصفهانی، محبوبه هم‌تیان (۱۳۹۰).
- ۱۷) از سیمرخ قاف تا خداوندگار دژ درون (بررسی تطبیقی ساختار و محتوای منطق الطیر و دژدرون)، ابوالقاسم رادفر، شفق غلامی (۱۳۹۱).
- ۱۸) مقایسه تحلیلی رمان سیدارتا با حکایت شیخ صنعان، زهره مشاوری، محمدرضا نصر اصفهانی (۱۳۹۱).
- ۱۹) جایگاه لوح و قلم در جهان‌شناسی عرفانی ابن عربی و عطار نیشابوری، مهدی زمانی (۱۳۹۱).
- ۲۰) اسطوره سیمرخ عطار در آینه مرغ بزرگ باخ، نرگس محمدی بدر، صالح غضنفری مقدم (۱۳۹۱).
- ۲۱) جستاری تطبیقی در مراحل سفر عرفانی عطار نیشابوری در منطق الطیر و نسیب عریضه در علی طریق إرم، محسن سیفی، فاطمه لطفی مفرد نیاسری (۱۳۹۱).

- ۲۲) نوستالژی فلسفی در شعر ابوالعلای معری و عطار نیشابوری، مطالعات ادبیات تطبیقی، مهدی ممتحن، مسلم رجبی (۱۳۹۲).
- ۲۳) مقایسه تطبیقی شخصیت‌های منطق‌الطیر عطار نیشابوری با شخصیت‌های نمایشنامه در انتظار گودو، اثر ساموئل بکت، سیمه خسروی خراشاد، شهریار سعیدی (۱۳۹۱).
- ۲۴) اندیشه وحدت وجود از دیدگاه عطار نیشابوری و اسپینوزا، امیر علی‌نیا، علی گراوند (۱۳۹۲).
- ۲۵) بررسی تطبیقی مراحل سلوک در منطق‌الطیر و یوگا سوتره‌های پاتنجلی، علی صادقی شهیر، رضا صادقی شهیر (۱۳۹۲).
- ۲۶) مقایسه سیمرخ منطق‌الطیر عطار با آلیس در آن سوی آینه کارول براساس نظریه تقارن آینه‌ای، مسعود روحانی، سهیلا غلامپور (۱۳۹۲).
- ۲۷) بررسی تطبیقی مفهوم سلوک در رمان سیدارتا و حکایت شیخ صنعان، اسحاق طغیانی، زهره مشاوری (۱۳۹۳).
- ۲۸) تأثیرپذیری عزالدین عبدالسلام مقدسی از عطار، حدیث دارابی، یحیی معروف (۱۳۹۳).
- ۲۹) از منطق‌الطیر عطار تا مجموعه شعر کلاغ تد هیوز، نرگس باقری (۱۳۹۳).
- ۳۰) بررسی تطبیقی اسراء و معراج در مدایح نبوی بوصیری و عطار نیشابوری، حسن سرباز، فؤاد منیجی (۱۳۹۴).
- ۳۱) نقد تطبیقی منطق‌الطیر اثر عطار و داستان‌های کانتربری اثر چوسر، شاهرخ حکمت، مریم پرزاد (۱۳۹۴).
- ۳۲) بررسی تأثیر منطق‌الطیر عطار در افسانه قرون، معصومه زندی (۱۳۹۴).
- ۳۳) تأثیرپذیری احمد سویلم در مجموعه «الشوق فی المدائن العشق» از عطار نیشابوری، سارا رحیمی پور، یحیی معروف (۱۳۹۴).

۳۴) بررسی تطبیقی پارسا زن عطار و هزار و یک شب بوکاجیو، مهدی ممتحن، محبوبه مسلمی‌زاده (۱۳۹۴).

۷- نقد مقالات

۷-۱. نقد و بررسی از منظر پشتوانه نظری

نظریه، چارچوب یک علم و قلمرو موضوعی و نحوه تحقیق در آن را مشخص می‌نماید. پژوهشگر با تکیه بر نظریه می‌تواند زاویه دید خود را نسبت به موضوع تعیین کند، فرضیه‌های مناسب را در نظر بگیرد و پاسخی سنجیده برای پرسش‌های تحقیق فراهم آورد. پایبندی به چارچوب نظری و روش‌شناختی، مانعی برای جلوگیری از کاوش‌های خطا‌دار بشری و نتیجه‌های نادرست از تحقیق است. (علوی زاده، ۱۳۹۴: ۱۱) درک نادرست و یا بدفهمی نظریه، پژوهشگر را نادانسته به خطاهای پیچیده‌ای وادار می‌کند. ولی در حوزه پژوهش‌های تطبیقی اتکا به نظریه خاص و معین می‌تواند حد و مرز کار و انتظارات مخاطبان را شکل دهد، ولی در بسیاری از مقالات بررسی شده به نظریه آنچنان‌که باید، توجه نشده یا معلوم نیست که نویسنده/ نویسندگان به کدام نظریه این حوزه توجه داشته‌اند. در مواردی نویسندگان مقالات به اغراض مقایسه و صورت‌بندی دقیق مباحث اعتنا نداشته‌اند یا از چرایی و چگونگی تفاوت‌ها و شباهت‌ها سخنی به میان نیاورده‌اند. علاوه بر این از نظریه و دیدگاه مکاتب موجود در حوزه ادبیات تطبیقی به درستی تبعیت نکرده‌اند.

به عنوان مثال در مقدمه مقاله «از منطق الطیر عطار تا جانانان مرغ دریایی ریچارد باخ»، نویسندگان برای بررسی تطبیقی دو اثر، از کتاب ادبیات تطبیقی ایو شورل (Yves Chevrel) نظریه پرداز فرانسوی بهره برده‌اند و به این گفته شورل که «ادبیات

تطبیقی مطالعه و بررسی مقایسه‌ای موضوعاتی است که برخاسته از زمینه‌های فرهنگی متفاوت‌اند» (شورل ۲۵، به نقل از کوپا و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰) استناد کرده‌اند. بنابراین، خواننده انتظار دارد با پژوهشی پای‌بند به مبانی و اصول مکتب فرانسه مواجه شود ولی این پژوهش با روش‌شناسی مکتب فرانسه هماهنگی ندارد؛ زیرا نویسنده نتوانسته بحث تأثیر و تأثر را که اصل مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه است تبیین کند و برای حل این مسأله، شباهت میان دو اثر را از نوع توارد در نظر می‌گیرد و می‌نویسد «باید گرایش‌های فطری و ذاتی ناخودآگاه یا خودآگاه به کمال جویی و انسان کامل، سبب پدید آمدن بینامتنیت منطق‌الطیر و جانانان مرغ دریایی شده باشد» (کوپا و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱). در نتیجه‌گیری نیز اشاره می‌کند «سفر، مرگ و پرنده نمادهای مشترک هر دو اثر است که ترجمه، مهاجرت و رویارویی و نبرد بین اقوام نقشی در پدید آمدن این نمادهای مشترک ندارد؛ بلکه این همانندی‌ها ریشه در ناخود شاعر دارد» (همان: ۶۷). صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این سخن، هماهنگی بین بنیان نظری پژوهش با ساختار روش آن، مسأله‌ای است که باید به آن پرداخته می‌شد.

در مقاله «جستاری تطبیقی در مراحل سفر عرفانی عطار نیشابوری در منطق‌الطیر و

نسیب عریضه در علی طریق ارم»، نویسندگان در چکیده اظهار نموده‌اند که این بررسی بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی صورت می‌پذیرد و در مقدمه خاطر نشان کرده‌اند که «مطابق با نظریاتی که در مکتب آمریکایی بیان شده، می‌توان به این نکته دست یافت که در این مکتب، به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تأثیر و تأثر توجهی نمی‌شود؛ بلکه آنچه در این مکتب، اصالت دارد، اصل تشابه و همانندی است» (سیفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸) ولی در پاراگراف بعد، صراحتاً به تأثیرپذیری نسیب عریضه در قصیده علی طریق ارم از منطق‌الطیر اشاره شده و در پرسش‌های تحقیق، نویسندگان روش بررسی و تطبیق بر اساس مکتب آمریکایی را کنار گذاشته و سؤالاتی را مبتنی بر مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه

که اصل آن بر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری تاریخی آثار ادبی و چگونگی و دلایل آن است بدین صورت، مطرح کرده‌اند: ۱) میزان اثر پذیری شاعر عرب (نسیب عریضه) از شاعر پارسی زبان (عطار) تا چه اندازه بوده؟ ۲) وی در کدامین مراحل سفر خویش متأثر از اندیشه‌های عطار بوده و چگونه این اثرپذیری را به نمایش گذاشته است؟» (همان، ۹۸) و در نهایت، نویسندگان نتوانسته‌اند میزان تأثیرپذیری نسیب از عطار را به درستی مشخص نمایند و تنها، در نتیجه‌گیری اشاره‌ای گذرا به الهام گرفتن نسیب عریضه از منطق الطیر عطار در سرودن قصیده علی طریق ارم کرده‌اند و به سؤال دوم تحقیق نیز پاسخی نداده‌اند و بدون اشاره به جزئیات اشتراکات فکری و ذکر دلایل آن تنها یک مقایسه کلی بر مبنای شباهت‌ها را انجام داده‌اند.

بررسی فهرست منابع مقالات ادبیات تطبیقی و تأمل در منابعی که محقق برای فهم نظریه در پژوهش خود از آن بهره گرفته معیاری برای تشخیص پیروی تطبیق‌گر از نظریه‌های ادبیات تطبیقی است. در مقاله «بررسی تطبیقی پارسا زن عطار و هزار و یک شب بوکاجیو»، به مانند اکثر مقالات مورد بررسی علی رغم اینکه در عنوان مقاله واژه «تطبیق» ذکر شده، اما اثری از منابع موجود در حیطه نظری یا کاربردی ادبیات تطبیقی در مقاله دیده نمی‌شود. همچنین نویسندگان به بررسی شباهت‌ها و در پاره‌ای موارد تفاوت‌های عناصر داستان پارسا زن و هزار و یک شب پرداخته‌اند و بدون ارائه روش پژوهشی خود، صرفاً، به بر شمردن تفاوت‌ها و شباهت‌ها، با اشاره به مصادیقی از دو داستان اقدام کرده‌اند. عوامل مختلفی در ادبیات تطبیقی تأثیرگذار هستند از جمله اینکه پژوهشگران این حوزه چه تعریفی از ادبیات تطبیقی در نظر دارند و آیا برداشت درستی از ادبیات تطبیقی و تعاریف مربوط به آن دارند؟ و یا صرف پرداختن به برخی شباهت‌ها و اشارات گذرا و کنار هم آوردن شواهد مثالی بدون آن که به هیچ کدام از مکاتب ادبیات تطبیقی توجه گردد می‌تواند پژوهشی مناسب را ارائه نماید؟

به عنوان مثال در مقاله «بررسی تطبیقی اسراء و معراج در مدایح نبوی بوصیری و عطار نیشابوری»، نویسندگان در پی آن هستند که به بررسی تطبیقی دو مؤلفه اسراء و معراج در مدایح بوصیری و عطار بپردازند، ولی روشی را که مبتنی بر یکی از مکاتب ادبیات تطبیقی باشد مد نظر نداشته‌اند و تنها با استفاده از روش توصیفی و استشهاد به ابیات مختلف ابتدا اسراء و معراج در مدایح بوصیری و پس از آن این دو مقوله را در مدایح نبوی عطار مرور کرده‌اند و در نتیجه‌گیری هم صرفاً، به خلاصه‌ای از شباهت‌ها و تفاوت‌های دو اثر اشاره نموده‌اند. در متن مقاله، اصل مقایسه تطبیقی به کلی فراموش شده است؛ زیرا اشعار این شاعران را به صورت جداگانه از منظر کاربرد داستان اسراء و معراج پیامبر (ص) آورده و مقایسه را به خود خواننده واگذار کرده‌اند.

یکی از مشکلات آشکار در مقالات ادبیات تطبیقی داخلی همین موضوع است که نویسنده مقاله تصور می‌کند باید جداگانه درباره دو اثر یا دو خالق اثر بحث کند و در نتیجه‌گیری به شباهت‌ها و تفاوت‌ها بپردازد؛ در حالی که استفاده از نظریه و روش مناسب با آن و البته پایبندی به نظریه اولین گام در یک پژوهش تطبیقی است تا مشترکات و اختلافات دو اثر بدرستی، تحلیل شود.

۷-۲. نقد از منظر برخورداری از ساختار علمی و روشمندی

یکی از کاستی‌هایی که نمود بیشتری در مقالات مورد بررسی دارد، ساختار درست نداشتن و روشمند نبودن آنهاست که این مسأله در تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری مقاله‌ها تأثیرگذار بوده است. طرح نکردن سؤال پژوهشی و مشخص نبودن فرضیه یا فرضیات تحقیق، فقدان بیان مسأله، نداشتن پیشینه تحقیق مناسب و دقیق، موجب سردرگمی خواننده و عدم دریافت نتیجه مناسب از مقالات می‌شود. در ادامه، به نمونه‌هایی از مشکلات یاد شده می‌پردازیم:

در مقاله «بررسی دیدگاه ابن عربی و عطار در مسئله فنا و بقا»، نویسنده پس از بیان چکیده و مقدمه‌ای کوتاه درباره مسئله فنا و بقا در سیر و سلوک، بدون بیان مسئله و روش تحقیق، به بیان توضیحاتی درباره فنا و بقا در کلام عرفای نخستین با نقل قول‌های مستقیم و پی در پی از کتب صوفیه پرداخته و در ادامه، به طور مجزا در دو عنوان جداگانه فنا و بقا را از دیدگاه ابن عربی و عطار با آوردن شواهد مثالی متعدد بیان کرده که خواننده بی آنکه بداند هدف نویسنده از ارائه این مطالب چه هست و سؤال و فرضیه اصلی تحقیق کدام است، با انبوهی از مطالب مواجه می‌شود. در انتهای مقاله هم بدون هرگونه نتیجه‌گیری از مطالب مطرح شده مقاله پایان می‌یابد.

در مقاله «از سیمرخ قاف تا خداوندگار دژ درون (بررسی تطبیقی ساختار و محتوای منطق الطیر و دژ درون)»، روش پژوهش روشن نیست. نویسندگان در چکیده مقاله سؤال را مطرح کرده‌اند که: «شبهات‌ها و تفاوت‌های ساختاری و محتوایی دو اثر چیست؟» (رادفر و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵) و در همانجا نوشته‌اند که «بررسی تطبیقی آنها، پاسخ این پرسش خواهد بود» (همان). اولاً، سؤال پژوهشی در چکیده مقاله علمی مطرح نمی‌شود بلکه در مقدمه پس از بیان مسأله پرسش‌های تحقیق آورده می‌شود؛ ثانیاً، برای سؤال پژوهشی، فرضیه بیان می‌شود نه پاسخ قطعی (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۹۴)، ثالثاً، این سؤال بیانگر طرح مسأله‌ای است و صرفاً سؤالی سطحی است که علاوه بر چکیده، در مقدمه نیز هدف از نگارش مقاله را پاسخ به این سؤال دانسته‌اند و در نهایت، نه در محتوای مقاله و نه در نتیجه‌گیری، به این پرسش پاسخی داده نشده و خواننده نتیجه روشنی نمی‌گیرد.

در مقاله «اندیشه وحدت وجود از دیدگاه عطار نیشابوری و اسپینوزا»، نویسندگان پس از بیان چکیده و مقدمه‌ای که صرفاً به تعریف وحدت وجود پرداخته، وارد بحث اصلی می‌شوند. کل مطالب مقاله، ذیل دو عنوان: اندیشه وحدت وجود از دیدگاه عطار و اندیشه

وحدت وجود از دیدگاه اسپینوزا، خلاصه می‌شود که با آوردن شواهد مثالی متعدد سعی در اثبات اعتقاد اسپینوزا به وحدت وجود دارد. در مقدمه نیز اهداف پژوهش، روش، فرضیات و مسأله تحقیق ذکر نشده و چکیده و مقدمه به تعریف وحدت وجود و منشأ این اندیشه اختصاص یافته است. در نتیجه‌گیری، به برخی از مطالب موجود در متن مقاله مجدداً اشاره شده، ولی مطالبی که دال بر نتیجه‌گیری از مباحث باشد، وجود ندارد.

در مقاله «بازگشت: نیم‌نگاهی به سفرهای ادیسه و مرغان منطق‌الطیر»، نویسنده دلایل انتخاب این دو اثر جهت مقایسه را برخوردار بودن آن دو از مطالب همسان ذکر کرده است. با این حال، روش تحقیق مناسب و اشاره به اهداف پژوهش و همچنین سؤالات و فرضیات در این مقاله به چشم نمی‌خورد و در نهایت، نتیجه‌گیری مقاله در سه سطر به اختصار بیان شده که طی آن نویسنده در توضیحات خود، بیش از آنکه از روش تطبیقی بهره ببرد، به ذکر مثال‌ها و مصادیق مشابه در دو اثر اکتفا کرده است. تحلیل‌های نویسنده بسیار اندک و ناچیز هستند و در مواردی، شواهد صرفاً از یک اثر نقل شده است؛ برای مثال، در مبحث «تعدد مکان» (صفحه ۲۲۶ مقاله) شاهد مثالی از کتاب منطق‌الطیر ذکر نیامده و فقط شواهدی از ادیسه ذکر شده است.

در مقاله «بازتاب منطق‌الطیر عطار در قصیده یادداشت‌های بشر حافی صوفی صلاح عبدالصبور»، نویسندگان برای سؤالات مطرح شده در مقدمه، فرضیه‌ای مطرح نکرده و در کل مقاله به پاسخی قانع‌کننده برای سؤالات مطرح شده دست نیافته‌اند.

این مقاله به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول شامل تعریف داستان منطق‌الطیر عطار و شرح و توصیف هفت وادی (که در منابع مختلف عطار پژوهی بسیار در این باره نوشته شده است) و بخش دوم شامل بیان اندیشه‌های صوفیانه عبدالصبور و شرح و تحلیل قصیده یادداشت‌های بشر حافی صوفی است و در هیچ‌جای مقاله، مقایسه‌ای بین دو اثر صورت

نپذیرفته که نشان‌گر بازتاب منطق الطیر در این قصیده باشد. تنها، در نتیجه‌گیری نویسندگان به طور خلاصه چهار شباهت و یک تفاوت را بیان کرده‌اند. همچنین، در پیشینه تحقیق این مقاله به آثاری در زمینه عطارپژوهی اشاره شده که از نظر محتوایی، مربوط به این مقاله نیستند و نمی‌توانند سابقه و پیشینه‌ای برای این پژوهش محسوب شوند.

در مقاله «بررسی و مطالعه تطبیقی منطق الطیر عطار و افسانه قرون هوگو»، توضیحات و مقدمات ابتدایی ذکر شده در چکیده زاید است و هدف از نگارش مقاله و دستاوردهای حاصل از پژوهش در چکیده بیان نشده و در مقدمه نیز بیان مسأله دقیق و شفاف نیست؛ ضمن آنکه هدف و روش تحقیق مشخص نشده است. فقدان روش مشخص پژوهشی و تفکیک نکردن مطالب با عنوان‌گذاری مناسب، خواننده را سردرگم می‌سازد. علاوه بر این توضیح واضح‌تر درباره داستان منطق الطیر و ذکر اشعار فراوان ضمن بیان خلاصه داستان برای یک مقاله علمی-پژوهشی مناسب است.

در مقاله «بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیو لیمن»، در همان ابتدای چکیده، هدف تحقیق را در قالب سؤالی پژوهشی آورده بدون این‌که به بحث مقایسه تطبیقی بپردازد. با طرح این پرسش که: «آیا آموزش تفکر و شیوه آموزش دوسویه در میان بزرگان فرهنگ ایرانی مغفول بوده است یا نظایری دارد؟» (پناهی، ۱۳۹۰: ۳)، پرسش‌های متعددی در ذهن خواننده شکل می‌گیرد که مقصود از «شیوه آموزش دوسویه» چیست؟ و منظور از «بزرگان فرهنگ ایرانی» دقیقاً، چه کسانی است؟

۷-۳. بررسی مقالات از منظر دقت علمی و جزئی‌نگری

پژوهشگر ادبیات تطبیقی باید حیطه و موضوع تحقیق خود را به طور واضح مشخص کند و دامنه آن را محدود به مواردی نماید که در عمل، به آنها پرداخته است تا بتواند نتایج مناسبی را به دست آورد.

در مقاله «اندیشه وحدت وجود از دیدگاه عطار نیشابوری و اسپینوزا»، نویسندگان داستان سفر مرغان به سوی سیمرغ در منطق الطیر را (که در بسیاری از منابع عطارپژوهی آمده است) به طور کامل توضیح داده‌اند و نقل این داستان را دال بر اندیشه وحدت وجودی عطار دانسته‌اند و برای اثبات اندیشه وحدت وجود در مصیبت‌نامه به این جمله استناد کرده‌اند: «عطار در این کتاب در پی آن است که در دو راهی شریعت و طریقت، چگونه می‌توان به دنبال حقیقت بود؟» در صورتی که اولاً عطار در مصیبت‌نامه تنها در پی جواب دادن به این سوال نبوده است و ثانیاً طرح این سوال دلیلی برای اثبات اندیشه وحدت وجود عطار نیست.

همچنین، مختصر توضیحی هم که برای اثبات اندیشه وحدت وجودی عطار در الهی‌نامه داده‌اند برای خواننده قانع‌کننده نیست؛ زیرا با آوردن چند بیت از الهی‌نامه که بیشتر به راز و نیاز با احدیت اختصاص دارد، نمی‌توان اندیشه وحدت وجود عطار را ثابت کرد. شاهد مثال‌هایی که از اشعار عطار ذکر شده بسیار کمتر از نمونه‌هایی است که از اسپینوزا آمده است. محتوای مقاله به دلیل ارجاعات متعدد و تحلیل‌های اندک بیشتر وجه آموزشی دارد تا پژوهشی و خواننده متوجه نمی‌شود که چه نسبتی میان اندیشه‌های عطار و اسپینوزا وجود دارد؛ چرا که به شباهت‌های اندیشگانی و تفاوت‌ها و تأثیر و تأثرها اشاره نشده است. متن مقاله هم به گونه‌ای است که می‌توان آن را دو مقاله مجزا دانست؛ زیرا اندیشه‌های وحدت وجود در هر یک به صورت مجزا و فارغ از توجه به اندیشه‌های دیگری مطرح شده است. نتیجه‌گیری نیز تکرار برخی از قسمت‌های محتوای مقاله است.

درباره مقاله «نقد تطبیقی منطق الطیر اثر عطار و داستان‌های کانتربری اثر چوسر»، می‌توان گفت که محتوای مقاله نقد تطبیقی نیست، زیرا همان‌طور که نویسندگان در مقدمه بیان کرده‌اند، این مقاله صرفاً، به بررسی وجوه مشترک میان منطق الطیر و داستان‌های کانتربری پرداخته و دلیل انتخاب عطار و چوسر برای مقایسه ذکر نگردیده است. همچنین،

نویسندگان در مقدمه اشاره کرده‌اند که تحقیق در خصوص شباهت متون در حوزه ادبیات تطبیقی بسیار مطلوب‌تر از بررسی تأثیرات آنها بر یکدیگر است و این روش به پژوهشگران این امکان را می‌بخشد که نقاط اشتراک میان فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف را به‌عنوان نکاتی تلقی کنند که به ادبیات ماهیتی جهانی می‌بخشد. حال این سؤال در ذهن خواننده شکل می‌گیرد که به چه دلیل، صرفاً، بررسی شباهت‌های متون در حوزه ادبیات تطبیقی مطلوب‌تر است، مگر بررسی تأثیرات متون بر یکدیگر باعث ایجاد ماهیت جهانی در ادبیات نمی‌شود؟ نکته دیگری که در مقدمه، ذکر شده این است که وجوه اشتراک میان دو شاهکار بزرگ ادبی جهان، منطق‌الطیر و داستان کانتربری به‌عنوان حلقه‌ای گمشده در ادبیات تطبیقی، به بحث و بررسی گذاشته می‌شود و این سؤال در ذهن خواننده مطرح می‌گردد که چه حلقه گمشده‌ای در ادبیات تطبیقی وجود داشته که لازمه کشف و دریافت آن، بررسی اشتراکات این دو اثر است؟

در واقع، می‌توان گفت که در این مقاله، جزئیات و مستندات و دلایل علمی قانع‌کننده برای گزاره‌ها و احکام کلی دیده نمی‌شود. ضمن آنکه صرف اشاره به شباهت‌ها و نپرداختن به تفاوت‌ها و زمینه‌ها و اشتراکات فکری و دلایل آن، کار تطبیق را با نقصان همراه می‌کند.

در مقاله «نوستالژی فلسفی در شعر ابوالعلای معری و عطار نیشابوری»، آثار مربوط به عطار دقیقاً مشخص نشده و خواننده با توجه به عنوان مقاله تصور می‌کند که تمام آثار منظوم عطار مورد مطالعه قرار گرفته است. در قسمتی از مقاله، اشاره شده که با مراجعه به اشعار پرشور عطار نیشابوری، این بررسی تطبیقی صورت می‌پذیرد که آن هم چندان دامنه کار یا پیکره متنی را روشن نمی‌کند. علاوه بر این، محدوده مطالعه نویسنده منظومه‌های مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر و اسرارنامه عطار است، در حالی که تلقی اولیه خواننده از اشعار پرشور اشعار تغزلی یا غزل‌های عطار است. علاوه بر این، نویسندگان به دلایل انتخاب دو

شاعر و عوامل مؤثر در اشتراکات مفاهیم و پیام‌های اشعار این دو شاعر توجّهی نداشته‌اند؛ چرا که چنین اشعاری یا چنین مفاهیمی در دیوان شاعران دیگری از ایران و عرب نیز می‌توان یافت.

۷-۴. بررسی از منظر نوآوری و حل مسأله

پرداختن به موضوع‌های تکراری و یا نتایج از پیش معلوم و عدم نوآوری از چالش‌های دیگر در این عرصه پژوهشی است؛ به عنوان مثال در سال ۱۳۸۷ مقاله «بررسی و مطالعه تطبیقی منطق الطّیر عطار و افسانه قرون هوگو»، چاپ شده و در سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر منطق الطّیر عطار در افسانه قرون»، به چاپ رسیده که دقیقاً موضوع یکسانی دارند. روش پژوهش، محتوا و حتی شواهد مثالی این مقاله با مقاله قبل یکسان است. از آن جای که در برخی مباحث، مطالب مقاله کاملاً یکسان هستند (صفحات ۱۵۰ و ۱۴۹ و ۱۴۸ و ۱۴۷ و ۱۴۶ و ۱۴۵ از مقاله اول و صفحات ۸۴ و ۸۳ و ۸۲ و ۸۱ و ۸۰ از مقاله دوم)، می‌توان حدس زد که نویسنده مقاله دوم، با اینکه از مقاله اول برداشت کرده ولی به آن ارجاع نداده است. این یکسان بودن در سطور پایانی قسمت نتیجه‌گیری کاملاً مشهود است.

همچنین در سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای با عنوان «اسطوره سیمرغ عطار در آینه مرغ بزرگ باخ»، چاپ شده که در آن نه تنها از لحاظ روش پژوهش و محتوا و نتایج حاصل از تحقیق، بلکه در اکثر صفحات عیناً مطالب مقاله متعلّق به سال ۱۳۸۹ با عنوان «از منطق الطّیر عطار تا جانانان مرغ دریایی ریچارد باخ»، تکرار شده است (به عنوان نمونه صفحات ۱۷ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ مقاله چاپ شده در سال ۱۳۹۱ دقیقاً مطالب صفحات ۶۲

و ۶۱ و ۵۸ و ۵۷ و ۵۶ و ۵۱ و ۵۰ مقاله چاپ شده در سال ۱۳۸۹ است. حتی قسمتی از چکیده مقاله سال ۱۳۸۹ در مقدمه مقاله ۱۳۹۱ آورده شده است).

نویسندگان برای ایجاد تفاوت با مقاله پیشین، در قسمت ابتدایی مقدمات مفصلی را به تعریف رمز و نماد، چگونگی ادراک رمز و راز و ... اختصاص داده‌اند؛ به طوری که از صفحه ۳ تا ۱۱ مقاله، به بیان این مقدمات پرداخته شده است و با جا به جایی پاراگراف‌ها و تغییر عناوین و اضافه کردن اشعار عطار در لابه‌لای مطالب مقاله پیشین، سعی در رهایی از تکرار و تقلید کرده‌اند که هیچ کدام راه‌گشا نبوده و نوآوری در این مقاله نسبت به مقاله قبل صورت نپذیرفته است.

همچنین در پایان مقاله ناقص مانده و خواننده‌ای که مقاله قبل را مطالعه نکرده باشد ولی بر کتاب جانانان مرغ دریایی اشراف داشته باشد منتظر است که بخش سوم این کتاب به مانند دو بخش دیگر آن مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد اما نویسندگان آن بخش را به دست فراموشی سپرده‌اند. حتی عنوان مقاله نیز انعکاس‌دهنده محتوای مقاله نیست زیرا خواننده با خواندن عنوان تصور می‌نماید که مقاله حول محور مقایسه سیمرخ عطار با جانانان باخ است؛ در حالی که محتوای مقاله بیشتر به مقایسه و بیان رمز و رازها و نمادهای پرنده، سفر و مرگ در دو اثر اختصاص دارد.

موضوع مقاله «بررسی دیدگاه ابن عربی و عطار در مقاله فنا و بقا»، از موضوع‌های تکراری است که مشخص نیست این بررسی از جنبه تأثیر و تأثر است یا درباره شباهت‌های مشترک عرفانی و یا آبشخورهای فکری مشترک؟ و حتی دلیل انتخاب ابن عربی جهت مقایسه با عطار را بیان نکرده و صرف این که هر دو به طور صریح این موضوع را در آثارشان مطرح نموده‌اند دلیل قانع‌کننده‌ای برای مقایسه نیست، زیرا اکثر شعرا و عرفا به گونه‌های مختلف این مسأله را در آثارشان بیان کرده‌اند.

در محتوای مقاله، صرفاً دیدگاه‌های عطار و ابن عربی به صورت جداگانه با ذکر جملاتی از فصوص‌الحکم و رسائل ابن عربی و اشعاری از آثار عطار بیان شده و مقایسه‌ای بین دیدگاه عطار و ابن عربی صورت نگرفته و به جزئیات اشتراکات فکری و دلایل آن و یا تفاوت‌ها نیز پرداخته نشده؛ که باعث تمایز این کار نسبت به پژوهش‌هایی گردد که دیدگاه عطار و ابن عربی را در مورد فنا و بقا به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. بدیهی است که موضوع‌هایی مانند بررسی دیدگاه‌های شاعران و عارفان پیرامون مباحث عرفانی نظیر فنا، بقا، وحدت وجود و ... و مقایسه آن با شاعران و عارفان دیگر از سال‌ها پیش به طور گسترده و بسیار مورد توجه پژوهشگران واقع شده و دیگر نمی‌تواند حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد که ذهن خواننده امروزی را تحت تأثیر قرار دهد.

۷-۵. بررسی مقالات از منظر تحلیل دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌ها

در یک بررسی تطبیقی، صرف پرداختن به شباهت‌ها کافی نیست و به تفاوت‌ها نیز باید توجه شود. به عنوان نمونه در مقاله «بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیو لیپمن»، نویسنده با رویکرد توصیفی، تنها به ذکر نمونه‌های بیانگر شباهت‌های دو شیوه آموزش (عطار و لیپمن) پرداخته و به تفاوت‌ها توجهی نکرده است. در حقیقت، نویسنده با تعریف و ذکر این نکته که عطار و لیپمن در روش آموزش با وجود فاصله زمانی و مکانی طولانی، وجوه اشتراک بسیاری دارند مبحث را خاتمه داده و از توجه به علل شباهت و راه‌های تأثیر و تأثر احتمالی و تفاوت‌ها و دلایل آن غافل مانده است.

همچنین در مقاله «بازگشت، نیم‌نگاهی به سفرهای اُدیسه و مرغان منطق‌الطیر»، نویسنده در پنج محور: بازگشت به وطن اصلی، سختی‌های راه سفر، موانع راه و چگونگی برطرف کردن آنها، تعدد مکان و به مقصود رسیدن گروهی اندک، زوایای همسان سفرهای

اودیسه و سفرهای مرغان در منطق‌الطیر را با رویکرد توصیفی نشان داده و تنها به نمونه‌هایی استشهاد کرده که بیان‌کننده شباهت‌های دو داستان است. در نتیجه‌گیری نیز دلیل این شباهت را تلاش انسان برای بازگشت به اصل خویش و حاکی از ضمیر ناخودآگاه همه بشریت محسوب کرده است که این گونه کلی‌گویی‌ها و بیان مسائل طبعاً ارزش علمی ندارد.

مطالعه تطبیقی در صورتی ارزشمند است که پژوهشگر به بررسی وجوه تشابه و تمایز به روشنی بپردازد، زیرا بدون توجه به تفاوت‌ها، مقایسه و تطبیق، دقیق نخواهد بود. همچنین به کیفیت متن ادبی توجه شود و جنبه‌های اقتباس و نوآوری نیز ارزش‌گذاری گردد.

۶-۷. نقد و بررسی از منظر بی‌توجهی به زمینه‌ها و دلایل تأثیر و تأثر

هدف اصلی پژوهشگر ادبیات تطبیقی بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و اثبات آن و برشمردن زمینه‌ها و دلایل آن است. این مسأله به خواننده آثار کمک می‌کند تا بداند که شاعر یا نویسنده چگونه اندیشه و ام گرفته شده را با طرحی نو و در ساختاری تازه به کار گرفته است یا چگونه ایده‌ای از ادبیات و فرهنگ یک کشور به ادبیات و فرهنگ دیگر انتقال یافته است. کم و کیف تأثیرپذیری از یک جریان ادبی، جریان‌های ادبی دیگر را به وجود می‌آورد. در برخی پژوهش‌های مورد مطالعه پژوهشگر یا وجود رابطه تأثیر و تأثر آن را نادیده انگاشته و یا آن را مسلم دانسته و نیازی به اثبات آن نمی‌بیند و صرفاً با ذکر مثال‌هایی از آثار مورد تطبیق، بحث را پیش می‌برد.

در مقاله «رد پای عرفان‌گرایی شرقی در قالب نمایشنامه براند اثر ایسن با نگاه بر منطق‌الطیر عطار»، نویسنده چرایی و چگونگی تأثیر پذیری ایسن از منطق‌الطیر عطار را

بررسی نکرده است؛ بلکه تنها با آوردن مثال‌هایی از مضامین مشترک در صدد اثبات این مسأله است که ایسن در هنگام نگارش نمایشنامه براند تحت تأثیر عرفان شرقی و مخصوصاً عطار بوده است. در عمل، نمونه‌هایی از شباهت‌ها نقل شده و بی‌توجه به عنوان مقاله، در بحث‌های محتوایی از عرفان‌گرایی شرقی سخنی به میان نیامده است. داشتن رویکرد توصیفی صرف و بی‌توجهی به مسأله زمینه‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، از نقض‌های عمده این مقاله به شمار می‌رود.

نویسنده مقاله حتی به معرفی ایسن (نویسنده نمایشنامه براند) و بن‌مایه‌های فکری او نپرداخته و خواننده با مطالعه این مقاله نمی‌داند که آیا ایسن گرایش عرفانی داشته و یا براساس همان مؤلفه‌هایی که نویسنده ذکر کرده، تنها در این اثر، تحت تأثیر عطار بوده است.

در مقاله «انعکاس عشق در آیینۀ ادیان (مقایسه تطبیقی عشق در عرفان قدیس آگوستین و عطار نیشابوری)»، ضمن این‌که به هیچ‌مبنای نظری برای مقایسه تطبیقی اشاره نشده (در حالی که با توجه به عنوان خواننده انتظار دارد با محتوایی تطبیقی، مواجه شود) نویسنده مقاله نتوانسته هیچگونه تأثیر و تأثیری را اثبات نماید. مانند برخی دیگر مقالات مورد بررسی (عنوان ۷-۱)، در منابع و مآخذ این مقاله نیز منبعی در خصوص ادبیات تطبیقی که نویسنده روش پژوهش و تطبیق خود را براساس آن منبع داده باشد وجود ندارد. نویسنده به‌شکلی ذوقی، سعی کرده شباهت دیدگاه‌های آگوستین و عطار در باب عشق را پیدا کند و برشمارد؛ در حالی که به قول جدیدی «صرف وجود شباهت میان آثار دو نویسنده دلیل بر تأثیر و تأثر نیست، زیرا مرز مشخصی میان تأثیرپذیری و توارد ذهنی و فکری وجود ندارد بلکه باید ثابت شود که نویسنده تأثیرپذیر آثار نویسنده دیگر را خوانده و از آنها بهره‌مند شده است. پس باید مشخص کرد که مثلاً منطق الطیر عطار در چه تاریخی

به زبان خارجی مورد نظر در آمده و آیا نویسنده تأثیر پذیر آن را می‌شناخته است یا نه.» (حدیدی، ۱۳۷۹: ۵).

نتیجه‌گیری

منظومه‌های عطار با توجه به نوآوری‌های معنایی و ساختاری زمینه مناسبی برای کارهای تطبیقی به شمار رفته است. با این حال بررسی مقالات منتشر شده در این باره نشان داد که از جهات مختلف به این پژوهش‌ها نقدهای جدی وارد است و در مواردی همچون فهم نظریه و بهره‌گیری درست از آن، روشمندی و توجه به آن، دقت علمی و توجه به جزئیات، نوآوری و حل مسأله، پرداختن به زمینه‌ها و دلایل تأثیر و تأثر و تحلیل دقیق آنها اشکالات و نقایص فراوان دارند. در حوزه ادبیات تطبیقی که دو مکتب عمده فرانسوی و امریکایی از هم جدا می‌شوند، توجه به نظریه بسیار حائز اهمیت است؛ در حالی که در عمل گاه اساساً مبنایی نظری مطرح نیست و گاه به اینکه به کدام مکتب توجه شده است در مقالات اشاره‌ای دیده نمی‌شود. با توجه به عنوان و رویکرد کلی، نویسندگان باید به مکتب فرانسوی پایبند باشند اما در اغلب بررسی‌ها به پیوند تاریخی و زمینه شباهت‌های محتوایی، مضمونی یا ساختاری میان دو اثر مورد مطالعه توجه نکرده‌اند. علاوه بر این، بی‌توجهی به روشمندی در پژوهش و ساختار علمی؛ همچنین بهره نبردن از منابع موجود در حیطه نظری ادبیات تطبیقی در مقالات مورد مطالعه کاملاً محرز بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات ارائه شده کمتر صورت گرفته است و بیشتر حجم مقالات به برشمردن شباهت‌ها و تا حدی تفاوت‌ها اختصاص یافته است.

بر این اساس، ضروری به نظر می‌رسد که پژوهشگران این حوزه علاوه بر پایبندی به چارچوب و بنیان نظری ادبیات تطبیقی و اطلاع دقیق از آن و تعیین مکتب مورد نظر، به

دقت علمی و نوآوری در پژوهش توجه کنند. همچنین تسلط کامل و کافی بر محتوا و مضمون متون مورد بررسی ضروری است.

پی‌نوشت:

ادبیات تطبیقی حوزه‌ای از مطالعات ادبی است که به شکل خاص در اوایل قرن نوزدهم در کنار سایر رشته‌های تطبیقی شکل گرفته و وارد قلمرو بررسی‌های ادبی شده است (ساجدی، ۱۳۸۷: ۸۸) در این حوزه نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که در مجموع در قالب دو مکتب مطرح شده که از آنها با عنوان مکتب فرانسوی و مکتب آمریکایی یاد می‌شود.

مکتب فرانسوی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی پا به عرصه نهاده و نخستین و مهمترین مکتب در ادبیات تطبیقی جهان محسوب می‌گردد. از دیدگاه مکتب فرانسه، وظیفه ادبیات تطبیقی، رصد کردن پدیده‌های ادبی و قرار دادن آنها در چهار چوبه‌ای مشخص از تاریخ ادبیات می‌باشد و کار آن ارزشیابی و قضاوتی بدور از ذوق و درک جمال و زیبایی هنری باشد، نیست. توجه به رابطه تاریخی دو اثر مهم‌ترین ویژگی مکتب فرانسوی است. همچنین ضرورت اثرگذاری و اثرپذیری از دیگر اصول این مکتب است. در مکتب فرانسوی، اصولاً، حوزه کار ادبیات تطبیقی به روابط تأثیر و تأثر محدود می‌گردد. در مکتب فرانسه تنها زبان است که تعیین می‌کند یک ادبیات قابلیت مقایسه با ادبیات دیگر را دارد؛ از این رو ادبیات تطبیقی فقط در حوزه دو زبان و دو ادبیات متفاوت امکان دارد. (همان، ۵۶-۵۴ و سالمن، ۱۳۹۳: ۵۳).

محققان مکتب آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم در واکنش به مکتب فرانسوی، آن را بنیان نهادند. در این مکتب، ادبیات تطبیقی تعریف و دامنه گسترده‌تری پیدا کرده و انواع اشتراکات آثار، جدا از پس زمینه تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق تعریف این مکتب، مطالعه ادبیات، فراتر از محدوده‌های یک کشور خاص است و روش آن نقد مستقیم و بی‌واسطه ادبیات بدون تکیه بر آثار ادبی خاص و ارتباط تاریخی میان آثار است. این مکتب نه تنها روند ادبیات تطبیقی را از تاریخ‌گرایی به نظریه و نقد ادبی تغییر داد، بلکه با تأکید بر تمامیت ادبیات، حوزه تحقیق در این شاخه از دانش بشری را که قبلاً محدود به ادبیات غرب بود، توسعه بخشید و ادبیات شرق را نیز در بر گرفت. (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۲۴ و ۲۳، ۲۸ و ۲۷، ندا، ۱۳۸۳: ۳۰ و ۲۹).

منابع و مأخذ:

الف) کتاب‌ها

۱. اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۰)، جام جهان بین، تهران: جامی.
۲. حدیدی، جواد (۱۳۷۳)، از سعدی تا آراگون، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، با کاروان حله (مجموعه نقد ادبی)، تهران: انتشارات جاویدان.
۴. ژون، سیمون (۱۳۹۰)، ادبیات عمومی و ادبیات تطبیقی، ترجمه حسن فروغی، تهران: انتشارات سمت.
۵. ساجدی، طهمورث (۱۳۸۶)، از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
۶. سالم‌ن پراور، زیگبرت (۱۳۹۳)، درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی، ترجمه علی رضا انوشیروانی، مصطفی حسینی، تهران: سمت.
۷. شورل، ایو (۱۳۸۶)، ادبیات تطبیقی، ترجمه طهمورث ساجدی، تهران: امیرکبیر.
۸. غنیمی هلال، محمد، (۱۳۷۳)، ادبیات تطبیقی، ترجمه سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: امیرکبیر.
۹. فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۶)، آیین نگارش و ویرایش مقاله علمی - پژوهشی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سخن.
۱۰. قاضی، نعمت الله (۱۳۴۶) به سوی سیمرغ، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیروز.
۱۱. گویارد، ام. اف (۱۳۷۴)، ادبیات تطبیقی، ترجمه علی اکبرخان محمدی، تهران: انتشارات پاژنگ.
۱۲. ندا، طه (۱۳۸۳)، ادبیات تطبیقی، ترجمه هادی نظری منظم، تهران: نشر نی.

ب) مقالات

۱۳. امین مقدسی، ابوالحسن (۱۳۸۴)، «مقارنه مدایح نبوی عطار و صفی‌الدین حلی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۶، شماره ۲ (پیاپی ۵۸۵)، صص ۷۸-۵۹.
۱۴. انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران»، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۲، صص ۳۲-۵۵.

۱۵. باقری، نرگس (۱۳۹۳)، «از منطق الطیر عطار تا مجموعه شعر کلاغ تد هیوز»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان (علمی و پژوهشی)، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۵-۴۸.
۱۶. بختیار، مریم (۱۳۹۰)، «بررسی دیدگاه ابن عربی و عطار در مساله فنا و بقا»، فصلنامه تخصصی ادیان و عرفان، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۷۳-۱۵۵.
۱۷. پناهی، مهین (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیولپمن»، تفکر و کودک، سال دوم، شماره ۱، صص ۲۴-۳.
۱۸. تقوی، محمد (۱۳۸۹)، «از کعبه تا روم (بررسی تطبیقی داستان شیخ صنعان و فاوست گونه)»، متن شناسی ادب فارسی، شماره ۶، صص ۲۸-۱.
۱۹. حکمت، شاهرخ، مریم پریزاد (۱۳۹۴)، «نقد تطبیقی منطق الطیر اثر عطار و داستان های کانتربری اثر چوسر»، مطالعات ادبیات تطبیقی (علمی و پژوهشی)، شماره ۳۵، صص ۶۲-۴۵.
۲۰. دیدی، جواد (۱۳۷۹)، «شیوه های پژوهشی در ادبیات تطبیقی»، پژوهش های زبان های خارجی، شماره ۸، صص ۱۸-۴.
۲۱. خسروی خراشاد، سمیه، شهریار سعیدی (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی شخصیت های منطق الطیر عطار نیشابوری با شخصیت های نمایشنامه در انتظار گودو، اثر ساموئل بکت»، مطالعات تطبیقی هنر (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۲۰-۱۰۷.
۲۲. دارابی، حدیث، یحیی معروف (۱۳۹۳)، «تأثیر پذیری عز الدین عبد السلام مقدسی از عطار»، مجله زبان و ادبیات عربی (علمی - پژوهشی)، شماره ۱۰، صص ۱۱۳-۸۹.
۲۳. رادفر، ابوالقاسم، شفق غلامی شعبانی (۱۳۹۱)، «از سیمرخ قاف تا خداوند گار دژ درون (بررسی تطبیقی ساختار و محتوای منطق الطیر و دژ درون)»، ادبیات تطبیقی (علمی و پژوهشی)، شماره ۶، صص ۷۴-۵۵.
۲۴. رحیمی پور، سارا، یحیی معروف (۱۳۹۴)، «تأثیر پذیری احمد سویلیم در مجموعه الشوق فی ملائن العشق از عطار نیشابوری»، پژوهش های ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره سوم، شماره ۲، صص ۴۵-۲۱.

۲۵. روحانی، مسعود، لیلا غلامپور (۱۳۹۲)، «مقایسه سیمرخ منطق‌الطیر عطار با آلیس در آن سوی آینه کارول بر اساس نظریه تقارن آینه‌ای»، مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۸)، صص ۱۰۴-۸۳.
۲۶. زمانی، مهدی (۱۳۹۱)، «جایگاه لوح و قلم در جهان‌شناسی عرفانی ابن عربی و عطار نیشابوری»، مجله پژوهش زبان ادبیات فارسی، شماره ۲۵، صص ۱۳۲-۱۱۳.
۲۷. زندی، معصومه (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر منطق‌الطیر عطار در افسانه قرون»، عرفانیات در ادب فارسی، شماره ۲۴، صص ۹۲-۷۳.
۲۸. زینی وند، تورج (۱۳۹۱)، «فقدان روش پژوهش در مطالعات تطبیقی ادبیات عربی و فارسی»، ویژه‌نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱۱۴-۹۴.
۲۹. سرباز، حسن، فؤاد منیجی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیق اسراء و معراج در ملاحیح نبوی بوصیری و عطار نیشابوری»، دو فصلنامه ادب‌نامه تطبیقی، سال اول، شماره دوم، صص ۲۱-۹.
۳۰. سیفی، محسن، لطفی منفرد نیاسری، فاطمه (۱۳۹۱)، «جستاری تطبیقی در مراحل سفر عرفانی عطار نیشابوری در منطق‌الطیر و نسیم عریضه در علی طریق ارم»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۱۶-۹۷.
۳۱. صادقی شهیر، علی، رضا صادقی شهیر (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مراحل سلوک در منطق‌الطیر عطار و یوگا سوتره های پاتنجلی»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال نهم، شماره ۳، صص ۱۰۰-۷۵.
۳۲. طاهری، قدرت الله (۱۳۸۹)، «شهسوار ایمان در دیدگاه عطار نیشابوری و سورن کی یرکگور»، پژوهش‌های ادبی (علمی-پژوهشی)، شماره ۲۷، صص ۳۷-۵۸.
۳۳. طغیانی، اسحاق، زهره مشاوری (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی مفهوم سلوک در رمان سیدارتا و حکایت شیخ صنعان»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، صص ۱۹۱-۱۶۱.
۳۴. علوی‌زاده، فرزانه (۱۳۹۴)، «بررسی انتقادی مقالات ادبیات تطبیقی در ایران در دهه هشتاد»، ادبیات تطبیقی، ۱/۶، پیاپی ۱۱، صص ۳۵-۶.
۳۵. علی‌نیا، امیر، علی گراوند (۱۳۹۲)، «اندیشه وحدت وجود از دیدگاه عطار نیشابوری و اسپینوزا»، پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۱، صص ۱۱۸-۱۰۳.

۳۶. فرخ نیا، رحیم، زهرا حیدری (۱۳۸۶)، « بررسی تطبیقی درام اجتماعی ویکتور ترنر با منطق الطیر عطار نیشابوری»، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک، شماره ۱۶، صص ۳۷-۵۰.
۳۷. کوپا، فاطمه، بهجت السادات حجازی، صالحه غضنفری مقدم (۱۳۸۹)، « از منطق الطیر عطار تا جانانان مرغ دریایی ریچارد باخ»، جستارهای ادبی، شماره ۱۷۰، صص ۷۰-۴۹.
۳۸. کوشکی، زهرا (۱۳۸۹)، « انعکاس عشق در آینه ادیان (مقایسه تطبیقی عشق در عرفان قدیس آگوستین و عطار نیشابوری)»، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۵۴، صص ۴۸-۴۴.
۳۹. محمدی، هاشم (۱۳۸۷)، « از منظومه فنیکس تا منطق الطیر عطار و استرالیا، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی»، شماره ۱۲، صص ۹۸-۸۱.
۴۰. محمدی بدر، نرگس، صالحه غضنفری مقدم (۱۳۹۱)، « اسطوره سیمرغ عطار در آینه مرغ بزرگ باخ»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ش ۲۷، س ۸، تابستان ۹۱، صص ۲۰-۱.
۴۱. مدنی سربارانی، فاطمه (۱۳۸۸)، «در جستجوی حقیقت و رستگاری: رد پای عرفان‌گرایی شرقی در نمایشنامه براند اثر ایبسن با نگاهی بر منطق الطیر عطار»، نمایش، شماره ۱۱۶ و ۱۱۵، صص ۵۲-۵۵.
۴۲. مرندی، سید محمد، ناهید احمدیان (۱۳۸۵)، «کمدی الهی و منطق الطیر: نگاهی به تفاوت‌ها و شباهت‌ها»، پژوهش ادبیات معاصر جهان (علمی و پژوهشی)، شماره ۳۳، صص ۱۶۶-۱۴۷.
۴۳. مشتاق، زینب (۱۳۸۷)، «بررسی و مطالعه تطبیقی منطق الطیر عطار و افسانه قرون هوگو»، پژوهش‌های ادبی (علمی - پژوهشی)، شماره ۱۹، صص ۱۵۳-۱۳۹.
۴۴. مشاوری، زهره، محمد رضا نصر اصفهانی، سید مرتضی هاشمی (۱۳۹۱)، «مقایسه تحلیلی رمان سیدارتا با حکایت شیخ صنعان»، ادبیات تطبیقی، شماره ۶، صص ۲۶۳-۲۴۱.
۴۵. ممتحن، مهدی، محبوبه مسلمی زاده (۱۳۹۴)، « بررسی تطبیقی پارسا زن عطار و هزار و یک شب بوکاجیو»، مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۳۶، صص ۹۸-۸۱.
۴۶. ممتحن، مهدی، مسلم رجبی (۱۳۹۲)، «نوستالژی فلسفی در شعر ابوالعلا معری و عطار نیشابوری»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۷۸-۱۶۱.
۴۷. میرزایی، فرامرز، مهدی شریفیان، علی پروانه (۱۳۹۰)، « بازتاب منطق الطیر عطار در قصیده یادداشت‌های بشر حافی صوفی صلاح عبدالصبور»، جستارهای زبانی (علمی و پژوهشی)، شماره ۶، صص ۱۴۸-۱۲۷.

۴۸. نصر اصفهانی، محمدرضا، محبوبه هم‌تیاں (۱۳۹۰)، «مقایسه تحلیلی طرح و محتوای نمایشنامه پرنده آبی از موریس مترلینگ با منظومه عرفانی منطق‌الطیر عطار»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا) (علمی-پژوهشی) سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، صص ۱۴۲-۱۲۵.
۴۹. واردی، زرین (۱۳۸۴)، « بازگشت؛ نیم‌نگاهی به سفرهای ادیسه و مرغان منطق‌الطیر»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره ۳، صص ۲۲۸-۲۱۸.
۵۰. یوسفی بهزادی، مجید (۱۳۸۷)، «شیخ عطار و ویکتور هوگو (بررسی تطبیقی نماد شخصیت عرفانی در فضیله عیاض و ژان والژان)»، مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۵، صص ۱۸۹ - ۱۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی